

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ اگست ۲۰۲۲

زمینه سازی ها برای آوردن مجدد طالب! (۱)

چهارشنبه - ۲۶ اسد ۱۴۰۱ - کابل: اکنون که نظام ملاسالار بار دوم یک ساله شده است، دیده می شود که دوست و دشمن طالب، چنان به محکوم نمودن "غنی احمدزی" و باندش مشغول هستند و تمام مصیبت ها را ناشی از عملکرد وی می دانند توگویی اگر امپریالیسم امریکا توله سگانی از قماش "حامدکرزی"، "غنی احمدزی" و رقیبای آنها "عبدالله عبدالله" و بقیه را در رأس حاکمیت پوشالی اش نمی گماشت و وطنفروش دیگری را به خدمت می گرفت، نه تنها دیگر طالب و طالبیسم در افغانستان مجدداً ظهور نمی کرد، بلکه افغانستان همان بهشتی می شد که انقیادطلبان چپ نما زمره تولد آن را در همه جای نشخوار می نمودند. در یادداشت کنونی برای آن که باز هم در چنین منجلاب هائی نیفتیم به اجازه شما خوانندگان عزیز، قضیه را اندکی ریشه نی نقطه گذاری می نمایم باشد از جانب دانشمندان و بزرگان قلم بیشتر باز و مدلل بگردد.

بحث را نخست با یک مثال طبیعی که هر یک از ما در طول حیات خود، اعضای فامیل و دوستان و بقیه مردم به صد ها و هزاران بار با آن مواجه بوده ایم، به مثابه مقدمه و درآمد آغاز می نمایم:

ما همه به مثابه یک انسان در طول حیات مان با برآمدن بخار در روی و یا سایر قسمت های بدن چه بسا بار بار مواجه شده ایم، از همین رو با تجربه می دانیم که هرگاه جهت زدودن همان بخار عادی تا چه رسد به دنبل و یا هم غده های بدخیم سرطانی، فقط به کندن "اچق روی بخار" قناعت نمائیم و ریشه بخار را با فشار انگشتان ما بیرون نیاوریم، دیری نمی گذرد که آن بخار کوچک بزرگ شده باز هم نمو می نماید و قویتر و دردناکتر از قبل بر بدن ما درد را تحمیل می دارد. حال اگر به جای آن بخارک کوچک پای موجودیت "دنبل، سالدانه و یا غدوات بدخیم سرطانی" در میان باشد خود می دانید که برخورد سرسری با آن و احتراز از نابودی ریشه های آن، به چه نتایجی منجر می گردد.

هرگاه طالب و طالبیسم را به مثابه یک غده سرطانی بدخیم که نه تنها خود هم در مقابل شعاع و پرتو افکنی مقاومت می کند و در مقابل شیمی درمانی همچنان، بلکه از جانب آنهایی که ادعای مبارزه علیه آن را می نمایند، لحظه به لحظه غدوات سرطانی بیشتری به بدن تزریق می گردد، در نظر بگیریم، دیده خواهد شد که حاکمیت مجدد طالب و سلطه مجدد طالبیسم و نظام ملاسالار نه محصول گریز "غنی احمدزی" بوده و نه وابسته به چند میل سلاح خفیی که خود

حمل می نمودند، بلکه دیالکتیک تکامل اوضاع، ایجاب می نمود تا محصولی به نام طالب و نظام ملاسالار مجدداً بر افغانستان حاکم ساخته شوند.

هرگاه از پیدایش و تولد نامیمون طالب در دهه ۹۰ بگذریم و به همین قدر اکتفاء نمائیم که شرایط حاکمیت جهادی ها و سگ جنگی های داخلی آنها، به امپریالیسم و ارتجاع منطقه بستر مساعد ایجاد طالب را مساعد ساخت و بحث ما را از اکتوبر ۲۰۰۱ یعنی زمان حملات امپریالیسم امریکا بر اداره آن زمان طالب آغاز نمائیم، دیده می شود که بنا به حکم داهیانۀ همان زمان "استاد موسوی"، امپریالیسم امریکا و شرکای امپریالیستی و ارتجاع منطقه به هیچ وجه نمی خواستند، طالب را ریشه کن نمایند. بلکه به گفته "استاد موسوی" با عملیاتیهای "تارومار" کننده به جای عملیاتیهای "محاصره و سرکوب" و از ریشه خشکاندن آنها با پراکنده سازی و حتا انتقال مصون شان به پاکستان و از آنجا به گوانتانامو و یا جای های دیگری در عمل کسی به فکری نابودی آن غده سرطانی نبود.

یعنی آنهایی که آمده بودند و اعلام می داشتند که گویا قصد نابودی آن غده سرطانی را دارند، به جای آن که واقعاً آن غده را ریشه کن نمایند بسیار ماهرانه و فریبکارانه، غده را از محلش برداشته در بانک های ذخایر و پیروسی خود حفظ و پرورش دادند. یعنی به جای آن که در همان آغاز آنهایی را که از عملیات محاصره و سرکوب زنده مانده بودند، به خصوص رهبران و بنیانگذاران آنها به صورت علنی محاکمه شده، هریک به تناسب جنایاتی که در حق مردم و فرهنگ ما انجام داده بودند مجازات می شدند و در کل تفکر طالبانی چنان مورد تهاجم قرار می گرفت که صد ها بار قویتر از پرتوافکنی و شعاع دادن و شیموترابی ریشه های طالبیسم را می سوزاند؛ در عمل، در ظاهر به کنار زدن آنها از قدرت اکتفاء صورت گرفت مگر در باطن با تمکین در برابر فرهنگ طالب پرور و بوسیدن دست طالب پروران به ویژه نظامیان پاکستان و چاق و چله ساختن زندانیان طالبی، نخستین اقدامات را جهت آمدن آنها انجام دادند.

این درست همان چیزی است که فردوسی آن را هزار سال قبل چنین بیان نموده است:

درختی که تلخ است وی را سرشت گرش برنشانی به باغ بهشت
ور از جوی خلدش به هنگام آب به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سرانجام گوهر به کار آورد* همان میوه تلخ بار آورد

در قسمت های بعدی خواهیم دید که امپریالیسم امریکا و شرکاء و ارتجاع منطقه و جهانی چگونه بعد از عملیاتیهای فریبکارانه تارومار کننده، نه تنها در مقابل تفکرات طالبی سر تسلیم فرود آوردند و از لحاظ اقتصادی به میلیونها دالر و یورو و گلدان و دینار جهت بقای آنها مصرف نمودند، بلکه از لحاظ نظامی و سیاسی نیز قدم به قدم هم با اتخاذ سیاست های شان و هم به صورت مستقیم باعث تقویت جنایتکاران طالبی و نظام ملاسالار گردیدند.

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

***- سر انجام بر اساس ذات خودش عمل می کند**